



## استدلال بالینی (Clinical Reasoning) چیست؟

استدلال بالینی توانایی رسیدن به تشخیص با هدف ارائه ی یک استراتژی درمانی مناسب بر اساس اطلاعات ارائه شده و بدست آمده از بیمار است. آموزش دهندگان معتقدند که این مهارت یک مهارت اصلی در مورد توانمندی های پزشکان میباشد.

### اهمیت استدلال بالینی:

استدلال بالینی جزء اصلی توانمندیهای یک پزشک محسوب میشود. استدلال بالینی را باید به فراگیران پزشکی، آموزش داده و به عنوان یک مهارت مورد آزمون قرار داد.

### انواع استدلال بالینی:

استدلال فرضیه ای از جزء به کل (استدلال رو به عقب) نیز می گویند. مثال: بیماری با سیانوز مراجعه نموده است. فراگیر فهرست تمام بیماریهایی را که می توانند درد قبلی ایجاد کنند را استخراج و مشخصات تک تک بیماری ها را با وضعیت بیمار مطابقت می دهد تا در نهایت به تشخیص برسد.

استدلال از کل به جزو مبتنی بر نقشه کلی (استدلال رو به جلو) در استدلال از کل به جزو مبتنی بر نقشه کلی، فراگیر برای رسیدن به تشخیص از یک رویکرد رو به جلو و الگوریتم وار تبعیبت میکند تا به تشخیص برسد.

شناسایی الگو: یعنی مجموعه ای از علائم و نشانه ها الگویی را ایجاد می کنند که فرد آنها را به دلیل تجربه ی زیاد (توأم با دانش لازم) شناسایی می کند.

### ارزیابی مهارت استدلال بالینی:

برای ارزیابی این مهارت و توانایی رسیدن به تشخیص می توان از فهرست اندیشیدن تشخیص استفاده نمود. این فهرست یک پرسشنامه ای است که فرد خود به آن پاسخ می دهد و استدلال بالینی را مورد ارزیابی قرار می دهد.



دو دسته توانمندی در این ابزار اندازه گیری میشود:

الف - انعطاف پذیری در اندیشیدن ( منظور استفاده از روشها و فرآیندهای مختلف اندیشیدن در حین فرآیند تشخیصی است.

ب- ساختار داشتن حافظه( منظور در دسترس بودن اطلاعات داخل حافظه در هنگام فرآیند تشخیصی است

برخی منابع توصیه می کنند که ترکیب نمودن استدلال رو به عقب و استدلال رو به جلو به گونه ای که از استدلال رو به عقب آغاز و با استدلال رو به جلو پایان دهیم. بهترین حالت برای آموزش استدلال بالینی است . برخی دیگر نیز روش شناسایی الگوها و آموزش بیماریها بر اساس تظاهرات بالینی آنها را توصیه می کنند.